

ORIGINAL ARTICLE

بررسی نقش انگلیسی‌ها در بهداشت، درمان و تأسیس بیمارستان آموزشی-درمانی مرسالین (مسلمین) در شیراز (۱۹۷۹-۱۹۰۰ م)

Investigating Role of British in Health, Treatment and Establishment of Mursalin (Muslemin) Educational-Therapeutic Hospital in Shiraz (1900-1979)

Soleyman Heidari¹

1- Assistant Professor of the Department of History, Shiraz University, Shiraz, Iran
Correspondence: Soleyman Heidari; Assistant Professor of the Department of History,
Shiraz University, Shiraz, Iran;
soheidari@shirazu.ac.ir

سلیمان حیدری^۱

۱- استادیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: سلیمان حیدری، استادیار بخش تاریخ دانشگاه
شیراز، شیراز، ایران

soheidari@shirazu.ac.ir

Abstract

Mursalin (Muslemin) hospital was founded by British physicians in Shiraz. The hospital and its British staff have played an important role in the evolution of medical knowledge and the provision of health services in this city. Before the arrival of Donald Kaar and Emelian Stewart in Shiraz, there was no modern hospital or clinic; health services and pharmaceuticals were traditionally provided by local medicine men. The arrival of British physicians and nurses has not only finished traditional therapies in long term, but also commenced the arrival of modern medical knowledge in Shiraz. This study seeks the answer to this fundamental question that what the causes and factors of the arrival of British physicians and nurses in Shiraz were and what role they have played in providing modern health services in this city. This research is conducted in a descriptive manner along with analysis based on library and documentation resources (National Documentation Center of Iran and Documentation Archive of Birmingham University) as well as field research. The findings of this research demonstrate the beneficial role that British physicians and nurses played in improving people's health; however, their main goal has been the promotion of Christianity in and around Shiraz.

Key words: Mursalin (Muslemin) Hospital, British Physicians, Donald Kaar, Modern Medicine

Received: 1 Nov 2017; Accepted: 20 Dec 2017; Online published: 30 Feb 2018

Research on History of Medicine/ 2018 Feb; 7(1): 17-30.



خلاصه مقاله

بیمارستان مرسلین (مسلمین) در شیراز توسط پزشکان انگلیسی تأسیس شد. این بیمارستان و پرسنل انگلیسی آن، نقشی مهم در تحول دانش پزشکی و ارائه خدمات درمانی در این شهر داشته است. قبل از ورود دونالد کار و ایمیلین استوارت به شیراز، بیمارستان یا درمانگاهی به شکل نوین وجود نداشت و ارائه خدمات درمانی و دارویی به شکل سنتی، به وسیله حکیمان محلی انجام می شد. ورود پزشکان و پرستاران انگلیسی نه تنها در درازمدت به شیوه‌های درمانی به شکل سنتی پایان داد؛ بلکه سرآغاز ورود دانش نوین پزشکی در شیراز شد. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که علل و عوامل ورود پزشکان و پرستاران انگلیسی به شیراز چه بوده است و آنان چه نقشی در ارائه خدمات درمانی به شکل نوین در این شهر داشته اند. پژوهش به صورت توصیفی همراه با تحلیل و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی (مرکز اسناد ملی ایران و آرشیو اسناد دانشگاه بیرمنگام) و همچنین تحقیقات میدانی انجام می شود. یافته‌های پژوهش حاکی از نقش مفید پزشکان و پرستاران انگلیسی در بهبود وضع سلامت مردم است. با این وجود هدف اصلی آنان تبلیغ مسیحیت در شیراز و اطراف آن بوده است.

واژگان کلیدی: بیمارستان مرسلین (مسلمین)، پزشکان انگلیسی، دونالد کار، طب نوین

مقدمه

پژوهشگران تاریخ پزشکی، بازگشایی مدرسه دارالفنون، تدریس طب و ورود برخی از پزشکان اروپایی به دربار شاهان قاجاری به خصوص ناصرالدین شاه قاجار را آغاز پزشکی مدرن در ایران می‌دانند. پس از این عصر (ناصرالدین شاه) رقابت شدیدی بین پزشکان ایرانی و پزشکان اروپایی در بهداشت، درمان و مسائل پزشکی پدید آمد. به طوری که برخی از پزشکان ایرانی به تدریج طبابت بر اساس مکتب سینایی و رازی را رها کرده و به شیوه‌ی درمانی جدید روی آوردند. هم‌زمان با این تحولات در برخی از شهرستان‌ها به خصوص شیراز نیز طب نوین و شیوه‌های درمانی جدید (طب اروپایی) راه یافت و مردم که گرفتار شیوع امراض متعددی مثل تیفوس، تیفوئید و وبا و سایر امراض واگیردار بودند از شیوه‌های درمانی جدید که توسط پزشکان اروپایی ترویج می‌شد استقبال کردند. پزشکان اروپایی در شیراز عمدتاً میسیونر و انگلیسی‌ها بودند که فعالیت خود را در پوشش انجمن تبلیغی کلیسا (C.M.S)¹ در بیمارستان مرسلین شیراز در اواخر دوره‌ی قاجاری شروع کردند و این فعالیت تا سقوط سلسله‌ی پهلوی ادامه یافت. هدف پژوهش پیش روی، توصیف و تحلیل فعالیت پزشکان انگلیسی در شیراز و نقش آنان در ترویج پزشکی نوین در این شهر است. از آنجا که کانون فعالیت این پزشکان، بیمارستان مرسلین است به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از اطلاعات این پژوهش در بیمارستان مذکور موجود باشد که علی‌رغم پیگیری‌های متعدد یافت نشد. پس از بررسی مشخص شد بخشی از اسناد و فعالیت کادر پزشکی بیمارستان مرسلین در آرشیو دانشگاه بیرمنگام نگهداری می‌شود. پژوهش پیش رو با تکیه بر همین اسناد و نیز اسناد موجود در مرکز اسناد ملی ایران و مطالعات کتابخانه‌ای و نیز تحقیقات میدانی انجام شده است. پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد تاکنون در خصوص فعالیت پزشکان و پرستاران انجمن تبلیغی کلیسا (C.M.S) در شیراز پژوهشی صورت نگرفته است و اگر چه صفورا برومند و ویدا همراز در دو کتاب مختلف به فعالیت مبلغان مسیحی در ایران پرداخته‌اند ولی به فعالیت پزشکان و پرستاران مسیحی در شیراز اشاره‌ای نکرده اند زیرا کتاب صفورا برومند² در خصوص فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در عصر قاجاری است ولی فعالیت انجمن مذکور در شیراز از آغاز عصر پهلوی است (موضوع این مقاله) و ویدا همراز گرچه پژوهش خود را تا انقلاب اسلامی ادامه می‌دهد³ ولی به دلیل کمبود اطلاعات فقط در دو خط به موضوع این مقاله اشاره کرده است. بنابراین با توجه به خلاء پژوهش در این زمینه، مقاله به دنبال پاسخ به سوالات ذیل است:

۱- بیمارستان مرسلین در شیراز چگونه تأسیس شد و پزشکان انگلیسی چه نقشی در تأسیس آن داشتند؟ ۲- اهداف انگلیسی‌ها از تأسیس بیمارستان مرسلین در شیراز چه بود و این بیمارستان و پزشکان آن چه نقشی در ورود طب نوین و شیوه‌های درمانی جدید در شیراز داشتند؟ موانع فعالیت پزشکان انگلیسی برای

1- Church Missionary Society (C.M.S)

2- Borumand, 2002.

3- Hamraz, 2012: 237.



فعالیت در شیراز چه بود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در ابتدا به فعالیت پزشکان انگلیسی در شیراز قبل از تأسیس بیمارستان مرسلین می‌پردازیم و سپس به تأسیس بیمارستان مرسلین و فعالیت‌های آن اشاره می‌کنیم.

وضعیت نامناسب بهداشتی - درمانی و تأسیس اولین درمانگاه انگلیسی در شیراز

اگر "وضع بهداشت محیط" و "ارائه‌ی خدمات بهداشتی" به عنوان دو شاخصه در میزان سلامتی ساکنان یک شهر در نظر گرفته شود، وضعیت بهداشتی شیراز نسبت به این دو شاخصه در عصر قاجاری و تا نیمه‌ی حکومت پهلوی بسیار نامناسب بود. شهر از آب آشامیدنی سالم تا سال ۱۳۳۱ شمسی برخوردار نبود⁴ و مردم آب مورد نیاز خود را از آب‌های جاری در شهر یا چاه‌های خانگی تأمین می‌کردند که امکان آلودگی آن به فضولات انسانی بسیار بالا بود و به همین دلیل در تمام عصر قاجاری و پهلوی اول امراض واگیردار متعددی مثل تیفوس، تیفوئید، آبله، دیفتری و وبا در بین مردم شایع بود و اپیدمی بعضی از این امراض به خصوص وبا به حدی بود که گاهی اوقات نصف شهر تلف می‌شدند.⁵⁻⁸ به جز آلودگی آب، برخی سنت‌های غلط و شیوه‌ی ناصحیح دفن اموات نیز سهمی مهم در شیوع بیماری‌ها و مختل کردن وضعیت بهداشتی داشت.¹⁰⁻¹² مبتلا شدن مردم به انواع امراض از یک سوی و نبود امکانات بهداشتی و درمانی از سوی دیگر، دو عامل مهم در مرگ و میر به شمار می‌رفت. اگر چه برخی افراد به صورت سنتی خدمات درمانی ارائه می‌کردند ولی آنان فاقد تحصیلات پزشکی بودند و عملاً در مواجهه با شیوع بیماری‌های کشنده مثل وبا و اعمال جراحی ناتوان بودند. در چنین شرایطی یکی از پزشکان سوئدی به نام دکتر فاگرین به شیراز فرستاده شد. این پزشک پس از اقامت در شیراز، بر اساس طب مدرن طبابت می‌کرد و با وجود آلوده بودن شیراز به انواع عفونت‌ها به خصوص مرض وبا و از دست دادن ۷ نفر از فرزندان، به مدت ۱۰ سال در این شهر اقامت داشت¹³⁻¹⁵ و به مداوای بیماران می‌پرداخت و احتمالاً در اواخر حکومت محمد شاه شیراز را ترک کرد. پس از وی دکتر سی. جی. ویلز انگلیسی به شیراز رسید. این پزشک به دنبال اعلام نیاز اداره تلگراف‌خانه‌ی انگلیس و هند در یکی از نشریات لندن مبنی بر استخدام پزشک جهت فعالیت در اداره‌ی مذکور به شیراز فرستاده شد.¹⁶ ویلز هنگامی به شیراز رسید که مردم دچار بیماری وبا و فحطی شدیدی شده بودند. به طوری که وی در خاطراتش می‌نویسد به قدری بیماری شیوع داشت که تنها در یک محله و در یک روز صبح هفتاد و دو جسد را به گورستان منتقل کردند و به قدری اجساد از سایر محلات به گورستان می‌رسید که کارکنان غسل‌خانه قادر به شست‌وشوی و تدفین مردگان نبودند.¹⁷ او به عنوان یک پزشک در جستجوی علت بیماری بود و سرانجام اعلام کرد باتلاق‌های اطراف شیراز منشأ آلودگی در سطح شهر است و تصمیم گرفت برای رفع مشکل با مقامات شهری گفتگو کند. علاوه بر این برای اولین بار در سطح شهر درمانگاهی تأسیس کرد و بدون در نظر گرفتن وقت رسمی و ساعات طولانی به درمان بیماران می‌پرداخت. علی‌رغم تلاش‌های ویلز برای مقابله با بیماری وبا و توصیه‌های بهداشتی وی به ساکنان شهر، بیماری روز به روز شدت می‌گرفت. در نهایت وی تصمیم گرفت برای نجات جان خود و انگلیسی‌های مقیم شیراز به قرنطینه‌ای که توسط حاکم محلی و میرزا حسنعلی خان نماینده‌ی انگلیس در شهر تهیه شده بود، نقل مکان کند. پس از پایان تابستان و فروکش کردن گرما که نقش مهمی در شیوع بیماری وبا داشت، ویلز و سایر انگلیسی‌های همراه وی به شهر بازگشتند¹⁸ و دکتر ویلز فعالیت درمانی و بهداشتی خود را تا سال ۱۲۹۸ ق (۱۸۸۱ م) ادامه داد و در همین سال شیراز را ترک کرد. پس از وی تا سال ۱۹۲۲ م چندین پزشک انگلیسی در باغ تلگراف‌خانه به مداوای بیماران پرداختند¹⁹ که با بازنشسته شدن آخرین پزشک کمپانی هند شرقی، عملاً فعالیت پزشکان وابسته به این کمپانی در شیراز تمام شد و میسیونرهای پزشک وابسته به C.M.S در شیراز فعالیت درمانی آنان را ادامه دادند.²⁰

میسیونرهای پزشک و تلاش C.M.S در ارائه‌ی خدمات پزشکی و تبلیغ مسیحیت در شیراز

انجمن تبلیغی کلیسا (C.M.S) از اولین انجمن‌های تبلیغی پروتستان می‌باشد که به منظور گسترش عقاید پروتستانیزم در اواخر قرن هجدهم میلادی در انگلستان

- 4- Sabouri, 2011: 50.
- 5- Fasai, 2003: 722.
- 6- Fraser, 1825: 297.
- 7- Imdad, 2008: 105.
- 8- Etemad-al-Saltane, 1988: 1551.
- 9- Shirvani, 1936: 326.
- 10- Bell, 1984: 54.
- 11- Floor, 2007: 76.
- 12- Saidi Sirjani, 2004: 4.
- 13- Gobineau, 1988: 170.
- 14- Vambery, 1993: 121.
- 15- Brugsch, 1995: 237.
- 16- Wills, 1998: 30.
- 17- Wills, 1998: 268.
- 18- Ibid.
- 19- Wright, 1978: 119.
- 20- Waterfield, 1973: 165.

تأسیس شد و در اوایل قرن نوزدهم با اعزام اولین مبلغ خود یعنی هنری مارتین به شیراز فعالیت گسترده‌ای را در ایران خاصه در مناطق مرکزی و جنوبی این کشور و مناطق تحت نفوذ انگلستان آغاز کرد.²¹ این مبلغان در شهرهایی چون اصفهان، شیراز، کرمان و یزد مؤسسات آموزشی و پزشکی تأسیس کردند و به گونه‌های مختلف ضمن انجام امور عام‌المنفعه به تبلیغ و تبشیر آراء و عقاید خود می‌پرداختند. البته استقرار آن‌ها در نیمه‌ی جنوبی ایران و در شهرهای شیراز، یزد، کرمان و اصفهان هدفمند و پس از تفاهم دولت انگلیس با دولت آمریکا در سال ۱۸۹۵م (۱۳۱۳ق) و در راستای تأمین منافع سیاسی بوده است.²² زیرا بخشی از منافع انگلیسی در جنوب ایران قرار داشت و راه دریایی خلیج فارس و نزدیکی آن به هند، موجب اهمیت فارس به مرکزیت شیراز برای دولت انگلیس شده بود. به هر حال طبق این تفاهم‌نامه، حوزه‌ی فعالیت مبلغان پروتستان انگلیسی و آمریکایی در ایران با توجه به مدار سی و چهار درجه‌ی جغرافیایی به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد. بر این اساس مناطق واقع در شمال این مدار، محل فعالیت مبلغان آمریکایی و مناطق واقع در جنوب این مدار، به حیطه‌ی فعالیت مبلغان انگلیسی اختصاص یافت.²³ آمریکایی‌ها از سال ۱۸۳۴م فعالیت خود را در تبریز شروع کرده بودند و روز به روز فعالیت خود را گسترش می‌دادند و تن دادن انگلیسی‌ها به تفاهم با آنان در سال ۱۸۹۵م در راستای متوقف کردن فعالیت آنان در نیمه‌ی جنوبی ایران بوده است. به هر حال پس از این تفاهم انجمن تبلیغی کلیسا در سال ۱۸۷۵م (۱۲۹۱ق) به طور رسمی کار خود را در ایران آغاز کرد و چون قبلاً این انجمن از سال ۱۸۶۹م (۱۲۸۵ق) به صورت غیر رسمی در جلفای اصفهان کار خود را شروع کرده بود، رابرت بروس²⁴ در سال ۱۸۹۶م نامه‌ای به انجمن تبلیغی کلیسا در انگلستان ارسال کرد و از مقامات کلیسا درخواست کرد، مبلغان جدیدی جهت فعالیت در جنوب ایران اعزام کند. انجمن کلیسا ضمن موافقت با خواسته‌ی بروس درصدد تأسیس شعبه‌های تبلیغی دیگری از انجمن در شهرهای کرمان، یزد و شیراز برآمد.

شعبه‌ی شیراز در سال ۱۹۰۰م (۱۳۱۸ق) تأسیس شد²⁵ و مبلغانی مثل والتر رایس²⁶، ویلیام تیسدل²⁷، چارلز استیلمن²⁸، آرتور بلاکت²⁹، ویلیام والکر³⁰، ناپیر مالکوم³¹، جیمز هنری³²، ادوارد جیمز³³ در کنار دکتر دونالد ویلیام کار³⁴ و پرستارانی چون گرتروود استوارت³⁵ به شیراز اعزام شدند و به مدت ۹ سال مشغول تبلیغ مسیحیت و ارائه‌ی خدمات پزشکی بودند³⁶، اما علی‌رغم تلاش‌های زیاد، پیشرفت چندانی نداشتند و تلاش برای ایجاد یک مرکز تبلیغ دائمی و درمانی در شیراز بی نتیجه ماند و دکتر کار و گرتروود استوارت به همراه برخی مبلغان مذهبی، شیراز را ترک کردند. چند نفر از مبلغان هم که تا سال ۱۹۱۲م در شیراز ماندند، فعالیت چندانی نداشتند.

طبق اسناد موجود در دانشگاه بیرمنگام در سال‌های جنگ جهانی اول به جز یک پزشک انگلیسی مقیم تلگراف‌خانه، هیچ پزشک یا کنشش انگلیسی در شیراز حضور نداشته است.³⁷ در سال ۱۹۲۲م با بازنشسته شدن پزشک تلگراف‌خانه فرصتی ایجاد شد که مجدداً C.M.S فعالیت خود را در عرصه‌ی پزشکی و تبلیغ مسیحیت در باغ تلگراف‌خانه‌ی انگلیس در شیراز از سر بگیرد که نتیجه‌ی آن تأسیس درمانگاه در باغ مذکور بود.

درمانگاه C.M.S در باغ تلگراف‌خانه در شیراز

چنان که اشاره شد بعد از یک وقفه‌ی ۱۴ ساله و پس از بازنشسته شدن پزشک اداره‌ی تلگراف‌خانه، اداره‌ی مذکور از C.M.S که شعبه‌هایی از خدمات پزشکی و تبلیغی در اصفهان، کرمان و یزد تأسیس کرده بود، درخواست کرد، پزشکی جهت مراقبت از سلامت کارمندانش به شیراز اعزام کند.³⁸ دکتر کار که از سال ۱۸۹۴م به همراه همسرش به ایران آمده بود و در سال ۱۹۰۰م نیز مدتی در شیراز مشغول ارائه‌ی خدمات پزشکی و تبلیغ مسیحیت بود، فرصت را مغتنم شمرد و در سال ۱۹۲۲م به همراه همسر و یک پرستار به نام الیس ورنیدر و دکتر ایمیلین استوارت و یک مبلغ مذهبی عازم شیراز شد و در درمانگاه باغ تلگراف‌خانه فعالیت پزشکی را از سر گرفت.³⁹ وی در کنار درمانگاه، با کمک ماری برد داروخانه‌ای نیز تأسیس کرد^{40,41} که برخی از ایرانیان مسلمان و تمام مسیحیان می‌توانستند از خدمات پزشکی و دارویی درمانگاه و داروخانه بهره‌مند شوند. فعالیت در باغ تلگراف‌خانه به مدت ۶ ماه ادامه یافت⁴² و چون ورود به باغ تلگراف‌خانه برای

- 21- Richter, 1910: 93-94.
- 22- Borumand, 2002: 144.
- 23- Laster, 1973: 96.
- 24- Robert Bruce
- 25- Laster, 1973: 98.
- 26- Walter Rice
- 27- William Tisdall
- 28- Charles Stileman
- 29- Arthur Blackett
- 30- William Walker
- 31- Napier Malcolm
- 32- James Henry
- 33- Edward James
- 34- Donald Willam Carr
- 35- Gertrude Stuart
- 36- Cash, 1930: 54.
- 37- Anonymous, 1900-1921: lxxviii.
- 38- Waterfield, 1973: 165.
- 39- Carr, 1928: 319.
- 40- Floor, 2007: 259.
- 41- Rice, 1916: 187.
- 42- Carr, 1928: 319.



ساکنین شهر به راحتی امکان پذیر نبود و حاکم محلی نیز با دیده تردید به ارتباط ایرانیان با کارمندان انگلیسی در باغ مذکور می‌نگریست⁴³. دکتر کار تصمیم گرفت خانه‌ای در سطح شهر اجاره کند تا با تبدیل آن به یک مریض‌خانه‌ی کوچک امکان ارائه‌ی خدمات پزشکی و تبلیغی بیشتر فراهم شود.

مریض‌خانه‌ی C.M.S در خانه‌ی اجاره‌ای در شیراز (نیمه‌ی دوم سال ۱۹۲۲ م)

دقیقا مشخص نیست مریض‌خانه‌ی که توسط C.M.S در شیراز تأسیس شد، در کدام ناحیه از شهر قرار داشته است و منابع تاریخ محلی و اسناد نیز کمکی در این زمینه نمی‌کند، ولی به هر حال انتقال فعالیت‌های درمانی دکتر کار و همکاریش دکتر ایمیلین استوارت فرصت بیشتری را برای بیماران غیر مسیحی به نسبت گذشته فراهم کرد که بتوانند به راحتی از امکانات درمانی مریض‌خانه استفاده کنند. ارائه‌ی خدمات درمانی در کنار فعالیت‌های مذهبی در خانه‌ای که به مریض‌خانه تبدیل شده بود به مدت ۹ سال ادامه داشت⁴⁴، ارائه‌ی خدمات به صورت رایگان بود و ازدحام جمعیت به قدری زیاد بود^{46,45} (۲۵۰ نفر در هر صبح) که ویلسون کش در بازدید از مریض‌خانه آن را بسیار وحشتناک توصیف کرده است. وی که در سال ۱۹۲۸ م از سوی C.M.S مأمور تهیه‌ی گزارش از وضعیت میسیونرهای انگلیسی در نیمه‌ی جنوبی ایران شده بود، در می‌سال ۱۹۲۸ م (اردیبهشت ۱۳۰۷) هنگام بازدید از مریض‌خانه در شیراز، در کتاب ایران قدیم و جدید می‌نویسد: هنگامی که مریض‌خانه باز می‌شد، مردان در یک اتاق و زنان در اتاق دیگری پذیرش می‌شدند که این عمل به دلیل ازدحام جمعیت و هجوم تأثر آور و رقت‌آمیز بیماران به راحتی امکان پذیر نبود. یک پرستار مبلغ پروتستان، در حالی که نفس نفس می‌زد، سعی می‌کرد به راحتی برای بیماران صحبت کند. مردم با سر و صدای زیاد قصد دیدن دکتر را داشتند. در پایان ملاقات با دکتر، عده‌ای به خانه‌هایشان باز می‌گشتند و عده‌ای در مریض‌خانه به دستور دکتر برای عمل جراحی بستری می‌شدند. مردمانی که از سوی قبایل به بیمارستان آمده بودند با خشونت رفتار می‌کردند و به ندرت از سوی آنان مهربانی دریافت می‌شد. یک دکتر مسیحی با آنان صحبت می‌کرد و به آنان آموزش‌های لازم در خصوص بیماریشان را می‌داد.⁴⁷

مهم‌ترین بیماری، بیماری آمیزشی بود. از هر صد نفر که به مریض‌خانه رجوع می‌کردند، هفتاد و پنج نفر مبتلا به بیماری‌های آمیزشی بودند. به طوری که این بیماری در دختران و پسران ۱۳ و ۱۴ ساله نیز دیده می‌شد. مسمومیت با تریاک از دیگر امراضی بود که در آن زمان شایع بود. مادران برای خواباندن بچه‌هایشان از سر خشک خشخاش استفاده می‌کردند و والدین بسیاری از کودکان، برای درمان فرزندان‌شان که با خوردن خشخاش مسموم شده بودند، به مریض‌خانه رجوع می‌کردند.^{49,48}

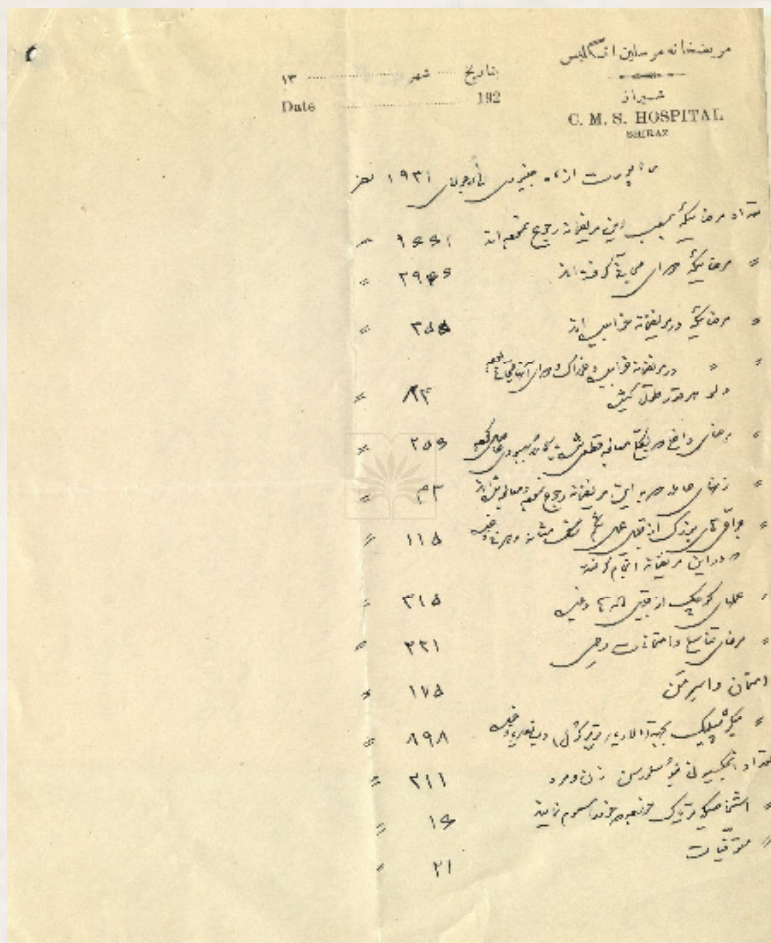
علی‌رغم مساحت کم مریض‌خانه و مراجعه‌ی دوپست و پنجاه مریض در روز، فعالیت درمانی و تبلیغی به مدت ۹ سال توسط دکتر کار، دکتر ایمیلین استوارت به همراه ایس ورنیدر (پرستار)، ادید توماس (پرستار)⁵⁰، لیلیهن (پرستار)⁵¹، آنا هارتنل (پرستار)⁵²، جن مور (پرستار)⁵³، کاترین هودکینسون (پرستار)⁵⁴، الا مارگرت جرالده (مبلغ)⁵⁵، جان ریچارد (کشیش و مبلغ)⁵⁶، استیلا هنری کوس (مبلغ)⁵⁷، ادامه یافت. مریض‌خانه دارای ۵۰ تخت بود که به نسبت سایر مراکز C.M.S، مثل اصفهان (۱۸۰ تخت)، کرمان (۸۰ تخت)، یزد (۸۰ تخت) فعالیت کمتری داشت.⁵⁹ شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل فعالیت کمتر به نسبت سایر مراکز، کمبود فضا بود که با تلاش‌های دکتر کار، مقدمات تأسیس بیمارستان جدید (مرسلین) فراهم شد. (تصویر ۱)

تأسیس بیمارستان مرسلین (مسلمین کنونی)

بدون شک دکتر دونالد کار بنیان‌گذار طب نوین در شیراز است. وی هنگامی به شیراز رسید که شیوه‌های درمانی به صورت سنتی ادامه داشت و اگر چه دکتر ویلز

- 43- Ibid.
44- Richards, 1933: 43-46.
45- Cash, 1930: 48.
46- Waterfield, 1973: 166.
47- Cash, 1930: 48-50.
48- Cash, 1930: 48-50.
49- Anonymous, Markaz As-nad Melli Iran, n. d.: No. 293/16072/00030.
50- Edith Thomas
51- Lylie Henn
52- Anna hartnell
53- Jane Moore
54- Katharine Hodgkinson
55- Ella Margaret Gerrard
56- John Richards
57- Stella Henriques
58- Anonymous, 1923-1941: xli, xxxix.
59- Floor, 2007: 106.





- 60- Van Gorder, 1992: 132-134.
- 61- Taddin, 2005: 354.
- 62- Anonymous, Edare Oghaf va omor khayreya Fars, n. d.: parvande 78/ع.
- 63- Floor, 2007: 260.
- 64- Azizi, 2009: 322.

تصویر ۱. مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۰۰۳۰/۷۲۰۱۶۰۲۹۳

تلاش کرده بود طب نوین را جایگزین طب سنتی کند؛ ولی به دلیل عدم مساعدت مالی از سوی حاکم محلی بی نتیجه ماند. هنگامی که دکتر کار در شیراز برای بار دوم در سال ۱۹۲۲م فعالیت خود را شروع کرد، توانست با دریافت کمک‌های مالی از سوی C.M.S. طب نوین و شیوه‌های درمانی جدید را جایگزین طب سنتی کند که در این راه با مشکلات زیادی روبرو شد. یکی از مهم‌ترین مشکلات وی، کمبود فضای درمانی برای ارائه‌ی خدمات پزشکی بود. او که استعداد زیادی در توسعه‌ی مراکز درمانی داشت⁶⁰ با شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما (فرزند نصرالدوله شانزدهمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه) در تهران ملاقات کرد و از وی درخواست کرد برای توسعه‌ی مرخص‌خانه در شیراز مساعدت کند. فرمانفرما که در سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۹ شمسی والی فارس بود⁶¹ و با فعالیت‌های درمانی دکتر کار آشنایی داشت، قطعه زمینی را که در خارج از دروازه‌ی باغ شاه از غلام حسین اعتمادالتجار خریده بود، در اردیبهشت ۱۳۰۳ شمسی (آوریل ۱۹۲۴م) با هدف تأسیس مرخص‌خانه‌ی عمومی، وقف و تولیت آن را به دکتر کار و بعد از ایشان در هر عصر با رئیس و متصدی مرخص‌خانه‌ی مزبور واگذار کرد.⁶² پس از واگذاری زمین که مساحتی حدود ۲۲۴۰۰ متر داشت، عملیات ساختمانی آغاز شد. بخشی از هزینه‌های ساخت و ساز و تجهیزات توسط C.M.S. تأمین شد. بخش تلگراف هند و اروپا (IETD) نیز مساعدت مالی کرد.⁶³ دکتر عزیزی در مقاله‌ای به نقل از خاطرات دکتر ذبیح‌الله قربان معتقد است، محمدحسین نمازی (پدر دکتر محمد نمازی) نیز برای تأسیس بیمارستان مرسلین مساعدت مالی کرده است⁶⁴ که البته صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا اولاً در گزارش دکتر کار به C.M.S.

در لندن اشاره‌ای به این موضوع نشده است و ثانیاً آن گونه که فلور نیز نقل می‌کند مساعدت مالی محمدحسین نمازی نه برای تأسیس بیمارستان مرسلین، بلکه به خانم ماری برد برای تأسیس داروخانه در سال ۱۹۲۳م بوده است.⁶⁵ به هر حال عملیات ساختمانی بیمارستان مرسلین در سال ۱۹۳۱م خاتمه یافت⁶⁶ و پرسنل درمانی و مبلغان به ساختمان جدید منتقل شدند و در همین سال ۱۹۳۱م کار خود را شروع کردند. (تصویر ۲)



تصویر ۲. ضلع غربی بیمارستان مرسلین⁶⁷

در خصوص وجه تسمیه بیمارستان، باید به این نکته اشاره کرد که در سربرگ‌های داخلی و در نامه‌های اداری، بیمارستان به دو نام فارسی و انگلیسی شناخته می‌شده است. در سربرگ‌های اداری بیمارستان به فارسی "مریض‌خانه‌ی مرسلین انگلیس-شیراز" ذکر شده که این کلمه (مرسلین)، اسم مفعول مشتق از فعل عربی رسل به معنی "فرستاده شده" است. در زیر نام فارسی، با حروف انگلیسی، بیمارستان C.M.S شیراز (C.M.S.Hospital-shiraz) آمده⁶⁸ که در اواخر حکومت پهلوی دوم تنها "بیمارستان مسیحی شیراز" قید شده است.⁶⁹ در هنگام افتتاح بیمارستان، دکتر کار، بانی اصلی بیمارستان مرسلین در شیراز حضور نداشت و طبق اسناد C.M.S، فعالیت وی در سال ۱۹۳۰م در این شهر خاتمه یافته است.⁷⁰ هنگام آغاز به کار بیمارستان، دکتر ویکتور وان⁷¹ که سال ۱۹۲۸م به ایران آمده بود، ریاست بیمارستان را بر عهده گرفت. در کنار دکتر وان، دکتر استوارت، دکتر الیزابت تنودرا میس⁷²، پرستارانی مثل الیس وریندر، لیلی هن، مشغول فعالیت بودند. بجز پزشکان و پرستاران، افراد دیگری مثل جن مور⁷³، جان ریچارد⁷⁴، الا مارگرت جرال⁷⁵ نیز مشغول فعالیت بودند که به احتمال زیاد در بیمارستان رفت‌وآمد داشته و مبلغ مذهبی بودند.⁷⁶ در زمان ریاست دکتر وان بر بیمارستان همه گونه جراحی در شرایط ابتدایی و سخت انجام می‌گرفت و تنها مرکزی که می‌توانست چنین خدماتی در سطح جراحی انجام دهد، بیمارستان مرسلین بود که نه تنها پذیرای بیماران متعددی از شیراز و اطراف آن بود بلکه توجهی خاص به وضعیت اقتصادی بیماران داشت تا جایی که بیماران بی بضاعت مورد توجه و حمایت پرسنل مسیحی بیمارستان بخصوص دکتر وان قرار می‌گرفتند.⁷⁷

فعالیت دکتر وان در بیمارستان مرسلین به مدت ۲ سال ادامه یافت. وی در سال ۱۹۳۳م به همراه همسرش شیراز را ترک کرد. پس از وی ریاست بیمارستان به خانم دکتر تنودرا میس واگذار شد. دکتر میس در سال ۱۹۳۲م وارد ایران شده بود⁷⁸ و در آغاز سال ۱۹۳۴م جانشین دکتر وان شد. در زمان ریاست دکتر میس بر بیمارستان که تا سال ۱۹۴۱م ادامه داشت خدمات زیادی ارائه شد که از مهم‌ترین خدمات، خدمات زایشگاهی بود که پرسنل بیمارستان توانستند ضمن آموزش به مادران باردار، جان تعداد زیادی از مادران و نوزادان را نجات دهند.⁷⁹

- 65- Floor, 2007: 259.
 66- Richards, 1933: 23-30.
 67- Carr, 1928: 321.
 68- Anonymous, Markaz As-nad Melli Iran, n. d.: No. 293/20736/00104.
 69- Anonymous, 1962-1979: P.O.Box. 10.
 70- Anonymous, 1922-1961: xlii.
 71- Victor st. George Vaughan
 72- Elizabeth Theodora Mess
 73- Jan Moore
 74- John Richards
 75- Ella Margaret Gerrard
 76- Anonymous, 1922-1961: xlii, xliii.
 77- Ghorban, 1989: 3.
 78- Anonymous, 1922-1961: xiv.
 79- Ghorban, 1989: 5.

از پزشکان انگلیسی که در دوره‌ی دکتر میس مشغول خدمت در بیمارستان شدند، باید از دکتر مری هوگت نام برد که در اواخر ریاست دکتر میس به کادر درمانی بیمارستان پیوست.⁸⁰ سوپروایزر بیمارستان مولی ویلیامز بود و چند پرستار دیگر انگلیسی مثل الیس ورنیدر، ال.ام.هن با او همکاری داشتند. مولی ویلیامز پرستار پرکاری بود. او توانست در سال ۱۹۳۷م (۱۳۱۵ش) به کمک یک پرستار آمریکایی به نام آسترلار که توسط علی اصغر حکمت به شیراز فرستاده شده بود، در کنار بیمارستان مرسلین، اولین مدرسه‌ی پرستاری در فارس را تأسیس کند.⁸¹ در این مدرسه، افراد زیادی در زمینه‌ی پرستاری تربیت شدند و پس از کسب آموزش‌های عملی از پرستاران و پزشکان انگلیسی، در بیمارستان مرسلین و سایر بیمارستان‌هایی که در دهه‌ی چهل در شیراز تأسیس شد، مشغول به کار شدند. البته در تأسیس مدرسه‌ی پرستاری، کیهان قربان دختر دکتر ذبیح‌الله قربان نیز نقش داشت. او اولین پرستار آموزش دیده‌ی ایرانی بود که در دانشگاه آمریکایی بیروت، تحصیلات خود را تمام کرد و در سال ۱۹۳۷م در مدرسه‌ی پرستاری در شیراز مشغول به کار شد.⁸²

بجز تأسیس مدرسه پرستاری و ارائه‌ی خدمات نوین زایشگاهی، مهم‌ترین اقدام در راستای تبلیغ مسیحیت در دوران ریاست دکتر میس، تأسیس کلیسای شمعون غیور حواری در سال ۱۹۳۷م (۱۳۱۵ش) و تأسیس مدرسه‌ی مسیحی مهرآیین در شیراز بود.^{83,84} کلیسا در کنار بیمارستان ساخته شد و پیوند نزدیکی با پرستل مسیحی بیمارستان داشت. قبل از تأسیس کلیسا، محل عبادت پرستل مسیحی، یکی از اتاق‌های منزل دکتر استوارت در داخل بیمارستان بود⁸⁵ که بسیار کوچک بود و گنجایش کمی داشت. برای توسعه‌ی فضا و ساختن کلیسا، زمین کنار بیمارستان که ملک شاهزاده فرمانفرما و قیمتی حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ پوند داشت، در نظر گرفته شد. با مساعدت کشیش ریچارد و استعانت از سایر کشیش‌ها در قلمرو اسقفی، زمین خریداری شد⁸⁶ و با کمک کشیش نورمن شارپ (ورود به شیراز در سال ۱۹۳۷م) و مساعدت مالی از سوی ریاست بیمارستان، به بهره‌برداری رسید. هم‌زمان با فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی نورمن شارپ در شیراز، همسرش دکتر آر.ان شارپ نیز در بیمارستان مشغول خدمت شد.

از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۴۸م به جز خانم دکتر شارپ که ریاست بیمارستان را بر عهده داشت⁸⁷ از پزشک انگلیسی دیگری در بیمارستان ذکر نشده است. به احتمال زیاد، اشغال ایران توسط متفقین و وضعیت سیاسی جنوب در کم‌کاری پزشکان انگلیسی تأثیر داشته است. البته در این دوره‌ی زمانی، پرستارانی مثل ورنیدر، هن، ویلیامز که از مدت‌ها پیش وارد شیراز شده بودند، به خدمت خویش ادامه دادند.

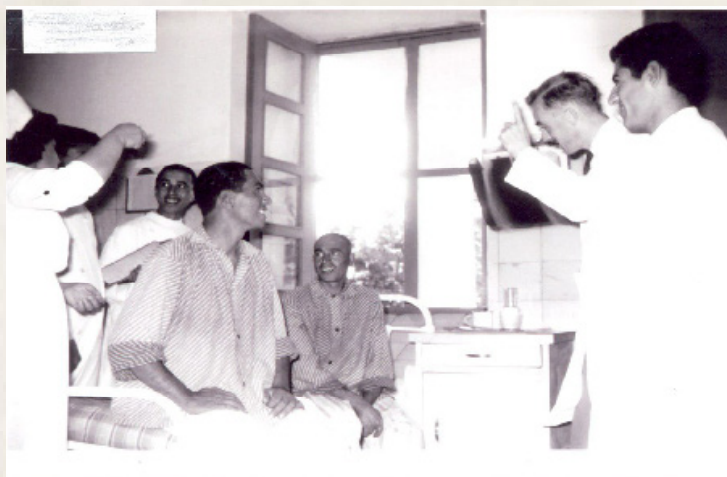
در سال ۱۹۴۸م (۱۳۲۶ش) جراح و مبلغ معروف انگلیسی جان ویلیف کلمن به همراه همسرش وارد شیراز شد.⁸⁸ او فرزند یک پزشک مبلغ و در دانشگاه کمبریج درس خوانده بود. پس از اتمام تحصیلات در بیمارستان سن توماس در لندن مشغول فعالیت شد و در سال ۱۹۴۸م به C.M.S پیوست و در همین سال به فلسطین فرستاده شد. پس از درگیری اعراب و اسرائیل به ایران رفت و از سوی C.M.S در بیمارستان مرسلین به عنوان جراح عمومی به کار گماشته شد.⁸⁹ او به محض ورود به شیراز و پس از مدتی کوتاه، به ریاست بیمارستان رسید و فعالیت درمانی-تبلیغی خود را به مدت ۱۶ سال در شیراز ادامه داد. دکتر کلمن پزشک بسیار فعالی بود و در دوران فعالیت خویش در شیراز نقش مهمی در آموزش دانشجویان پزشکی داشت⁹⁰، او طوری دانشجویان را در زمینه‌ی علم تشریح و فیزیولوژی آموزش داد که مهارتشان در دروس عملی و بالینی کمتر از کسانی که در دارالفنون آموزش می‌دیدند، نبود.⁹¹

فعالیت درمانی دکتر کلمن محدود به بیمارستان مرسلین نبود. او در روزهای دوشنبه‌ی هر هفته، به اتفاق گروهی از پرستاران و بهیاران بیمارستان به دهات اطراف شیراز می‌رفت و تا پاسی از شب به مداوای بیماران می‌پرداخت. درمانگاه روستایی او ساعت تعطیلی به‌خصوصی نداشت. ساعت بسته شدن آن زمانی بود که آخرین بیمار درمانگاه را ترک می‌کرد. پس از آن نیز دکتر کلمن غالباً به‌همراه

- 80- Dorothy Mary Howgate
81- Ghorban, 1989: 11.
82- Heydari, 2015: 4.
83- Sami, 1984: 604.
84- Waterfield, 1973: 167-169.
85- Cash, 1930: 54.
86- Carr, 1928: 319-321.
87- Anonymous, Markaz Asnad Melli Iran, n. d.: No. 293/98/141.
88- Anonymous, 1922-1961: 75.
89- Anonymous, 1922-1961: 76.
90- Ghorban, 1989: 3.
91- Elgood, 1977: 588.



بیماری که نیاز به مراقبت بیشتر داشت یا لازم بود در بیمارستان بستری شود، به شهر بازمی‌گشت.^{92,93} در هنگام ریاست دکتر کلمن بر بیمارستان مرسلین، پزشکان و پرستاران جدیدی از C.M.S به وی پیوستند. از پزشکان می‌توان به خانم دکتر مری هوگت⁹⁴، دکتر ریچارد گاردینر⁹⁵ و از پرستاران می‌توان به لیلین کین برت⁹⁶، روداکاتلین بایلی⁹⁷، حنا ویلیامز⁹⁸، ورا اردلی⁹⁹، ویون مایلز¹⁰⁰، فیلیس مای اکرم¹⁰¹، آنه ریچاردز¹⁰²، باربرا جون نایت¹⁰³ نام برد. این پزشکان و پرستاران در درمان امراضی مثل آب مروارید، تیفوئید و اسهال خونی، تراخم و عوارض آن، بیماری‌های مقاربتی مثل سیفلیس و سوزاک، مالاریا، آبله، دیفتری، کال و اگزما و موارد جراحی مثل فتق، بواسیر، اماس و دردهای مفصلی نقش داشتند.¹⁰⁴ (تصویر ۳)



تصویر ۳. تفسیر عکس رادیولوژی توسط دکتر گاردینر در بیمارستان مرسلین (آرشیو علی اکبر فرمانی)

در سال ۱۹۶۴م (۱۳۴۲ش) دکتر کلمن و همسرش پس از ۱۶ سال خدمت درمانی و تبلیغی در شیراز، به دلیل تحصیل فرزندان‌شان در انگلیس، به کشور خود بازگشتند. دکتر کلمن در حالی شیراز را ترک کرد که در زمان ریاست ایشان، برخی ایرانیان از جمله مینو پای‌زرین (استخدام در ۱۳۲۷ش)، صفویه به‌آیین (استخدام در ۱۳۲۷ش)، علی اکبر فرمانی (استخدام در ۱۳۳۲ش)، عزیزالله پروتا (۱۳۳۷ش) پس از اخذ آموزش پرستاری لازم از پرسنل انگلیسی، در بیمارستان مشغول به کار شدند.¹⁰⁵

پس از خروج دکتر کلمن (جراح عمومی)، ریاست بیمارستان به دکتر آلیو پرسیکا شارپ¹⁰⁶ رسید و پس از وی، دکتر آنتونی الیور رابرتسون¹⁰⁷، دکتر اریک بلک وایلد¹⁰⁸ (جراح عمومی)، دکتر کریستین الیور پن¹⁰⁹ (متخصص داخلی) به ترتیب مسئولیت اداره بیمارستان را تا سال ۱۹۸۰م به عهده داشتند. در کنار پزشکان انگلیسی تعداد زیادی پرستار نیز مشغول فعالیت بودند که عبارتند از:

فیلیس می اکرم¹¹⁰، جوئیس گاردن¹¹⁰، موده حنا ویلیامز، آنه ریچاردز، سوسن هارگریوس¹¹¹، کاتلین آینس ورد¹¹²، جن اوستین¹¹³، تیس آن بروگتن¹¹⁴، مارگرت اوکس¹¹⁵. این پرستاران تا سال ۱۹۸۰م به فعالیت خود در بیمارستان مرسلین ادامه دادند.¹¹⁶ در این سال با توقیف بیمارستان و واگذاری آن به دکتر مرتضی کسرائیان و توانایی پرستاران بومی در رسیدگی به بیماران، ایران را ترک کردند. (تصویر ۴)

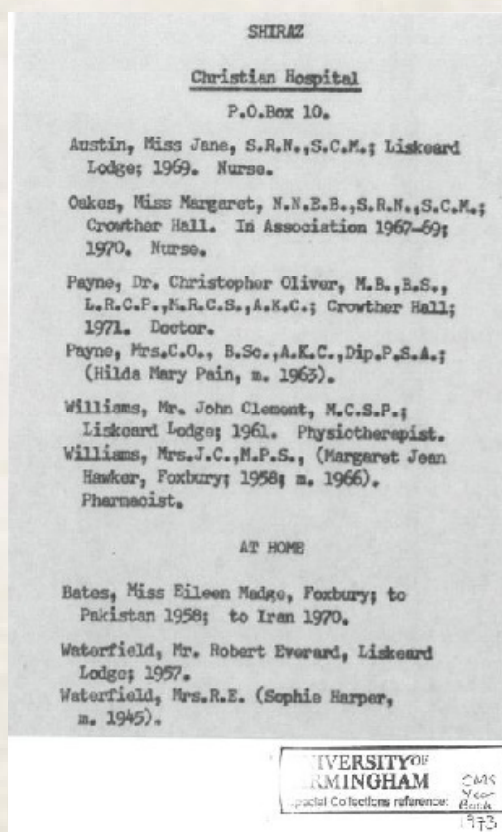
موانع فعالیت‌های پزشکان و پرستاران C.M.S در شیراز

هنگامی پزشکان C.M.S در شیراز مشغول فعالیت شدند که در شهر، بیمارستان یا درمانگاهی وجود نداشت و خدمات درمانی به بیماران، توسط حکیمانی ارائه

- 92- Heidari, 2017 Aug 25.
- 93- Heidari, 2017 Jun 27.
- 94- Mary Howgate
- 95- Richard Gardiner
- 96- Lilian Kenn Birt
- 97- Rhoda Kathleen Bayley
- 98- Hannah Williams
- 99- Vera Eardly
- 100- Vivien Mills
- 101- Phyllis May Akerman
- 102- Anne Richards
- 103- Barbara Joan Knight
- 104- Anonymous, Markaz Asnad Melli Iran, n. d.: No. 293/16072/00030.
- 105- Mosahebe ba Azezolla porota, minoo payzarren, Ali Akbar farmani, Safeye Beayeen, 2017.
- 106- Olive Persica Sharp
- 107- Anthony Oliver Robertson
- 108- Eric Blake Wild
- 109- Christopher Oliver Payne
- 110- Joyce Gardsden
- 111- Susan Hargreaves
- 112- Kathleen Ainsworth
- 113- Jane Austin
- 114- Tessa Ann Broughton
- 115- Margaret Oakes
- 116- Anonymous, 1962-1979 P.O.Box 10: 23-24-26-27-33-35-36.



می شد که بهره‌ای از شیوه‌های درمانی جدید به خصوص در زمینه‌ی جراحی نداشتند و به همین دلیل تعداد زیادی مریض که نیاز به عمل جراحی داشتند، جان خود را از دست می‌دادند.¹¹⁷ زمانی که پزشکان و پرستاران C.M.S فعالیت خود را شروع کردند، با مخالفت حکیمان محلی که از پشتوانه‌ی مذهبی نیز برخوردار بودند، مواجه شدند؛ زیرا شغل خود را در خطر می‌دیدند. با این وجود فعالیت پزشکان C.M.S در شیراز ادامه یافت و با گذشت زمان از میزان مخالفت‌ها کاسته شد.¹¹⁸



تصویر ۴. آرشیو دانشگاه بیرمنگام، سند شماره‌ی 10 p.o. box

مانع بعدی فعالیت پزشکان C.M.S در شیراز کمبود دارو بود. اگر چه داروهای مورد نیاز، از انگلیس وارد می‌شد¹¹⁹ و در ابتدا به صورت رایگان در اختیار بیماران قرار می‌گرفت، با این وجود انحصار تجارت در آن عصر مانع اصلی برای ورود داروهای ضروری بود و گاه اخذ مجوز برای ورود دارو مدت‌ها به طول می‌انجامید.¹²⁰

درک پایین مردم نسبت به شیوه‌های نوین درمانی و اعتقاد به خرافات مذهبی نیز یکی دیگر از موانع پزشکان C.M.S برای ارائه‌ی خدمات بود. هنگامی که در یکی از روزها بیماری به دلیل مرض قانقاریا به بیمارستان رجوع کرده بود و پزشکان تشخیص دادند برای جلوگیری از گسترش بیماری می‌بایست شصت دست او قطع شود، با مخالفت خانواده‌ی بیمار روبرو شدند.^{121,122}

بدبینی مردم نسبت به پزشکان C.M.S نیز در ارائه‌ی خدمات تأثیرگذار بود. برخی از مردم اعتقاد داشتند که انگلیسی‌ها در پشت این خدمات، اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند و این موضوع به قدری در بین مردم شیوع داشت که هنگامی پزشکان برای ارائه‌ی خدمات به روستاها می‌رفتند با دشنام ساکنان محلی مواجه می‌شدند. این مانع در درازمدت رفع شد تا جایی که مردم از اقدامات پزشکان و پرستاران در ارائه‌ی خدمات استقبال می‌کردند.¹²³

- 117- Stuart, n.d.: 7.
118- Richards, 1933: 43-46.
119- Heidari, 2017 Jul 23.
120- Richards: 1933: 43-46.
121- Richter, 1910: 330-331.
122- Richards, 1933: 23-30.
123- Richards, 1933: 23-30.



البته سوءظن به فعالیت پزشکان و مبلغان انگلیسی فقط خاص مردم نبود، بلکه حتی دولت مرکزی نیز نسبت به فعالیت انگلیسی‌ها حساسیت خاصی داشت. تا جایی که شهربانی شیراز در سال ۱۳۳۲ش تصمیم گرفت دکتر کلمن و کشیش شارپ را از شیراز اخراج کند. شهربانی معتقد بود، این دو نفر درآمد حاصل از بیمارستان را در راه اهداف سیاسی و تحریک مردم علیه حکومت مرکزی که به دلیل قحطی و کمبود آذوقه و نان اعتراض کرده بودند، هزینه می‌کنند.¹²⁴ شهربانی سرانجام از اخراج دکتر کلمن خودداری کرد. یکی از دلایل این تصمیم، محبوبیت دکتر کلمن نزد افکار عمومی بوده است. البته توانایی بی بدیل دکتر کلمن در جراحی عمومی نیز در اخذ تصمیم از سوی شهربانی بی تأثیر نبوده است. موانع پزشکان و پرستاران انگلیسی فقط در عرصه‌ی درمان نبود. برخی از خانواده‌ها با آموزش فرزندان‌شان در شغل پرستاری نیز مشکل داشتند. پس از تأسیس مدرسه‌ی پرستاری (یا آموزشگاه پزشکی‌یاری) در کنار بیمارستان مرسلین، خانواده‌ها، اجازه‌ی تحصیل فرزندان دختر را در مدرسه نمی‌دادند که سرانجام با اصرار دکتر ذبیح‌الله قربان، شش خانواده پذیرفتند که فرزندان در مدرسه پرستاری مشغول تحصیل شود.¹²⁵

اهداف C.M.S در شیراز

در مباحث گذشته اشاره شد، ایمیلین استوارت به همراه دکتر دونالد کار نقش مهمی در تأسیس اولین درمانگاه C.M.S در شیراز داشتند. استوارت پس از چندین سال فعالیت درمانی و تبلیغی در شیراز و اصفهان به انگلستان بازگشت و کتابی با عنوان دکترها در ایران (Doctors in Iran) نوشت. او صراحتاً در این کتاب به هدف تبلیغی پزشکان و پرستاران انگلیسی در ایران اشاره کرده است. وی درباره‌ی میسیونرهای پزشکی می‌نویسد: اگر چه این دسته از مبلغان مستقیماً به عنوان یک آژانس تبلیغاتی عمل نمی‌کردند؛ ولی هدف و موضوع میسیونرهای پزشکی شبیه آژانس‌های تبلیغاتی و تبشیری بود¹²⁶ که در قالب ارائه‌ی خدمات پزشکی تحقق پیدا می‌کرد. در واقع انجمن تبلیغاتی کلیسا به خوبی می‌دانست، به دلیل فضای مذهبی ایران امکان دسترسی و ارتباط با توده‌های اجتماعی برای تبلیغ مسیحیت نیست. بنابراین درصدد راه‌هایی بودند که بتواند ارتباط را تسهیل کند که از نگاه آنان بهترین راه، ارائه‌ی خدمات پزشکی بود.¹²⁷ میسیونرهای پزشکی از این طریق می‌توانستند پیام مسیحیت را به گوش بیماران برسانند. آنان در بیمارستان، اتاق دعا داشتند و نه تنها در بیمارستان دعا می‌خواندند¹²⁸ بلکه حتی گاهی اوقات بیماران را تشویق می‌کردند که برای دعا به کلیسای شمعون غیور بروند. این کلیسا در کنار بیمارستان ساخته شده بود و دارای یک راه ورودی به داخل حیاط بیمارستان بود. گفته شده دکتر کار ضمن درمان بیماران انجیلی به آنان تقدیم می‌کرده است. تبلیغ مسیحیت همیشه به صورت مستقیم نبود و برخی اوقات پزشکان سعی می‌کردند با انجام یک سری اقدامات توجه بیماران را به خود جلب کنند. مثلاً دکتر کلمن در روزهای دوشنبه با سفر به روستاهای اطراف شیراز به صورت رایگان طبابت می‌کرد و دکتر پن (جراح قلب) از کمک به بیماران بی‌بضاعت دریغ نمی‌کرد.¹²⁹ بیمارستان نیز از افراد نیازمند هزینه‌ای دریافت نمی‌کرد. این افراد، به صورت رایگان بستری شده و داروی رایگان دریافت می‌کردند.¹³⁰ علی‌رغم تلاش‌های پزشکان، پرستاران و مبلغان انگلیسی در تبلیغ کیش مسیحیت، تعداد کمی جذب این آیین شدند و پس از وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت آنان متوقف شد و مجبور به ترک ایران شدند.

نتیجه‌گیری

پزشکان و پرستاران وابسته به انجمن تبلیغی کلیسا در اواخر حیات سیاسی حکومت قاجاری وارد شیراز شدند و فعالیت خود را در عرصه‌ی خدمات درمانی و تبلیغ مذهب پروتستان تا پایان حکومت پهلوی در ایران ادامه دادند. یافته‌های پژوهش حاکی است، هدف اصلی پزشکان و پرستاران انگلیسی در شیراز تبلیغ مسیحیت و استقرار آنان در نیمه‌ی غربی ایران با هدایت دولت متبوع خود بوده

- 124- Anonymous, Markaz Asnad Melli Iran, n. d.: No. 293/98/141.
125- Ghorban, 1989: 11.
126- Stuart, n.d.: 6.
127- Van Gorder, 1992: 134.
128- Heidari, 2017 Jul 23.
129- Heidari, 2017 Aug 25.
130- Anonymous, Markaz Asnad Melli Iran, n. d.: No. 293/160072/00029.



است. اگر چه پزشکان انگلیسی در شهرهایی مثل یزد، کرمان و اصفهان نیز مستقر شدند، با این وجود استقرار آنان در شیراز به دلیل نزدیکی این شهر به خلیج فارس و هند اهمیت خاصی داشت. صرف نظر از هدف اصلی پزشکان انگلیسی در شیراز، باید بر این نکته تأکید کرد که حضور آنان در شیراز نقش مهم در تأمین سلامت عمومی در این شهر و اطراف آن داشته است. این پزشکان در زمانه‌ای در شیراز مستقر شدند که سلامت عمومی توسط حکیمانی تأمین می‌شد که بهره‌ای از طب نوین نداشتند و افراد زیادی به دلیل شیوه‌های نادرست درمانی تلف می‌شدند. بنابراین حضور پزشکان انگلیسی آغاز ورود طب نوین در شیراز است. این پزشکان با وارد کردن داروهای جدید و دانش نوین پزشکی سهمی مهم در پیش‌برد خدمات درمانی در شیراز و اطراف آن داشتند که از جمله می‌توان به مواردی مثل جراحی به شکل نوین، تجویز داروهای صنعتی، ارائه خدمات نوین زایشگاهی، استفاده از آزمایشگاه برای تشخیص بیماری، اخذ تعهد از بیمار جهت جراحی اشاره کرد که در طب سنتی در شیراز سابقه نداشت و به همین دلیل می‌توان از بیمارستان مرسلین به عنوان نخستین مکان آموزشی-درمانی در ارائه خدمات نوین پزشکی و از پزشکان و پرستاران انگلیسی به عنوان پیش‌قراولان این حرکت نوین پزشکی در شیراز یاد کرد.

References

- Anonymous. *CMS Annual Report, 1922-1961, Church Missionary Society Archive*. Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
- Anonymous. *CMS Proceedings, 1900-1921, Church Missionary Society Archive*. Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
- Anonymous. *CMS Year Book, 1962-1979, Church Missionary Society Archive*. Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
- Anonymous. *Edare Oghaf va omor Khayreye Fars*, n.d. [in Persian]
- Anonymous. *Markaz Asnad Melli Iran*, n.d. [in Persian]
- Azizi M, Bahadori M, Raees-Jalali GH. In Commemoration of Haj Mohammad Nemazee (1895 – 1972): The Founder of Nemazee Hospital in Shiraz. *Arch Iranian Med*. 2009; **12**(3): 321-324.
- Bell G. *Persian Pictures*. Translated by Riahi B. Tehran: kharazmi, 1984. [in Persian]
- Borumand S. [*Pajoheshi bar faaleyat anjeman tablighi kelesa dar dore ghajareye*]. Tehran: Moassese tarekh moaser Iran, 2004. [in Persian]
- Brugsch H. [*Reise Der K. Preussischen Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*]. Translated by Kordbacheh. Tehran, 1995. [in Persian]
- Carr D. *The Mission Hospital, A continuation of Mercy and Truth*. Birmingham: University of Birmingham Library, 1928.
- Cash W. *Persia old and new*. London: Church Missionary Society, 1930.
- Elgood C. *A medical history of Persia*. Translated by Farghani



- B. Tehran: Amir Kabir, 1977. [in Persian]
- Etemad-al-Saltane M. [*Tarikh Montazam Naseri*]. Vol. 3. Corrected by Esmaeil Rezvani M. Tehran: Donyaye Ketab; 1988. [in Persian]
- Fasai H. [*Fars-Nama-ye Naseri*]. Vol. 1. Tehran: Amir Kabir, 2003. [in Persian]
- Floor W. *Public health in Qajar Iran*. Translated by Nabipour I. Bushehr: University of Medical Sciences, 2007. [in Persian]
- Fraser J. *Narrative of a journey into Khorasan, in the years 1821 and 1822*. London: Longman, 1825.
- Ghorban Z. *Medical Education in Shiraz: A Personal memoir*. n. p.: n. p., 1989.
- Gobineau J. [*Trois ans en Asie*]. Translated by Mahdavi A. Tehran: Ketabsara, 1988. [in Persian]
- Hamraz V. [*Moballeghan masihi dar Iran*]. Tehran: Pajoheshgha farhang, 2012. [in Persian]
- Heidari S. Interview with: Farmani A A. 2017 Jul 23.
- Heidari S. Interview with: Payzarrin M. 2017 Jun 27.
- Heidari S. Interview with: Porota A. 2017 Aug 25.
- Heydari A, Lotfi Fatemi N. Nursing developments in Iran during World Wars I & II: A historical study. *Journal of Nursing and Midwifery Sciences*. 2015;2(1): 1-8.
- Imdad H. [*Fars dar asre Qajar*]. Shiraz: Navid, 2008. [in Persian]
- Laster J. *Christian Hymnody in Iran*. Michigan: University Microfilms International, 1973.
- Rice C. *Mary Bird in Persia*. Salisbury Square: Church Missionary Society, 1916.
- Richards J. R. *The Open Road in Persia. C.M.S. Missionary at Shiraz*. London: Church Missionary Society, 1933.
- Richter J. *A History of Protestant Missions in the near east*. London: Edinburgh, 1910.
- Sabouri Z. [*Barrasi peshine Ab shorb share Shiraz*]. Shiraz: Sherkat Ab va fazelab shiraz, 2011. [in Persian]
- Saidi Sirjani A. [*Vaghaye-etefaghyeh*]. Tehran: Asim, 2004. [in Persian]
- Sami A. [*Shiraz share javedan*]. Shiraz: Naveed, 1984. [in Persian]
- Shirvani Z. [*Bustan as- sayahat*]. Tehran: Sanai, 1936.[in Persian]
- Stuart M. *Doctors in Persia*. London: Church Missionary Society. n.d.
- Taddin P. [*Valeyay va ostandaran Fars beyne do enghelab*]. Shiraz: Bonyad farsshenshi, 2005. [in Persian]
- Vambery A. *His life and adventures*. Translated by Arya M.



Tehran: elmi va Farhangi, 1993. [in Persian]

Van Gorder A. *Christianity in Persia and the Status of Non-Muslims in Iran*. New York: Lexington Books, 1992.

Waterfield R. *Christians in Persia: Assyrians, Armenians, Roman Catholics and protestants*. London: George Allen & Unwin, 1973.

Wills J. *The land of the lion and sun*. Translated by Gharagozlou GH. Tehran: Eghbal, 1988. [in Persian]

Wright D. *The English Amongst the Persians During the Qajar Period*. Translated by Afshar S. Tehran: Donya, 1978. [in Persian]

